

کمپته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری :

نگاهی به مبارزه طبقاتی در فرانسه

در هفته های اخیر رویارویی و مبارزه کارگران با سرمایه داران در فرانسه وارد مرحله تازه ای شده و به سراسر این کشور گسترش یافته است. میلیون ها نفر از کارگران، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان فرانسه در اعتراض به طرح افزایش سن بازنشستگی دست به اعتصاب، تحصن و تظاهرات زدند و خواستار لغو این لایحه شدند. اعتصاب های گسترده در پالایشگاه ها، فرودگاه ها، بخش حمل و نقل و دیگر مراکز خدماتی و کارگری، زندگی عادی در این کشور را مختل کرده است. اما صاحبان سرمایه و دولت شان، در مقابل این حرکت عظیم اجتماعی، ایستادگی کرده و با تمام قدرت به سرکوب معترضین می پردازند و تاکنون تعداد بیشماری زخمی و بازداشت شده اند. علاوه بر این دولت " نیکولا سارکوزی " هم چنان بر اجرایی شدن طرح افزایش سن بازنشستگی به ۶۲ سال پافشاری می کند و مجلس سنای این کشور این لایحه را به تصویب رسانده است.

آغاز دور تازه ی اعتراض های اخیر در فرانسه را باید در تداوم بحران اقتصادی و اجتماعی سال های اخیر نظام سرمایه داری جستجو کرد. دولت بورژوازی حاکم بر این کشور برای غلبه بر بحران اقتصادی و براساس توصیه های نهادهای سرمایه امپریالیستی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، قصد دارد که ریاضت کشی هر چه بیشتری را به آحاد جامعه و بخصوص طبقه کارگر تحمیل نماید. افزایش نرخ بیکاری و عدم امنیت شغلی، کم کردن مزایا و بودجه های اجتماعی و بلاخره افزایش سن بازنشستگی، بخشی از تلاش دولت سرمایه داری فرانسه برای تحمیل هر چه بیشتر بی حقوقی به کارگران و دیگر طبقات فرودست جامعه است. البته این روند در دیگر کشورهای اروپایی، از جمله یونان، اسپانیا، ایتالیا و آلمان مدت ها پیش از این شروع شده و طبقه کارگر در برابر این اقدام ها، دست به مبارزه ای وسیع زده است.

این حرکت عظیم اجتماعی در فرانسه، بار دیگر این حقیقت را به اثبات رساند که هویت انسان ها در جامعه سرمایه داری، فارغ از نژاد، ملیت، عقیده و مذهب، به جهت موقعیت اجتماعی ویژه آنان در رابطه با ابزار تولید و توزیع کالا مشخص می شود. در این نظام، اقلیتی کوچک از صاحبان سرمایه با در اختیار داشتن تمامی ابزارها و امکانات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه، اکثریت عظیم توده های مردم را در وضعیتی قرار می دهند که مجبور می شوند برای گذران زندگی و امرار معاش، نیروی کارشان را به نازل ترین قیمت، به سرمایه داران بفروشند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند. در مقابل صاحبان سرمایه از طریق استثمار نیروی کار کارگر، روز به روز بر سرمایه هایشان افزوده گشته و به سودهای نجومی دست پیدا می کنند. علاوه بر این تناقضات ذاتی نظام سرمایه داری و بحران های ساختاری این نظام نیز مزید بر علت شده و هر بار شرایط بس دشوارتر و تحمل ناپذیرتری را از بسیاری جهات، به ویژه از جهت اقتصادی به کارگران تحمیل می نماید. تا آنجا که تعرض به سطح معیشت توده های کارگر و اقشار فرودست و محروم جامعه و بازپس گیری برخی امتیازات و خدمات اجتماعی تثبیت شده از آنان و همچنین گذاشتن بار سنگین بحران، بر دوش آحاد و

بخش های مختلف این طبقه ، امروزه دیگر جزء روال عادی و معمول حکومت های سرمایه داری و حاکمان و مدافعان قسم خورده و سینه چاک این نظام ضدکارگری و ضدانسانی تبدیل شده است .

از مسائل و موارد اقتصادی و معیشتی هم که بگذریم ، مبارزه طبقاتی جاری در فرانسه ، همچنین این ادعای ریاکارانه و عوام فریبانه ی توجیه گران و ایدئولوگ های بورژوا را که گویا در نظام سرمایه داری، دولت برگرفته از آرای عمومی و " حکومت مردم بر مردم است " ، بیش از پیش پوچ و بی اعتبار کرد . این وضعیت و تشدید این مبارزه به ویژه نشان داد که در مناسبات کنونی، دولت چیزی جز ابزار سیادت و سرکوب طبقه حاکم (طبقه سرمایه دار) بر طبقه کارگر و اقشار تحت ستم و فرودست جامعه نیست . دولت سارکوزی نیز همچون دیگر دولت های سرمایه داری، و مدعی به اصطلاح دموکراسی پارلمانی ، ثابت کرد که برای حفظ و دفاع از این سیستم نابرابر و ظالمانه و پاسداری از منافع طبقاتی و استثمارگرانه خود ، از همه ظرفیت های سیاسی و فرهنگی و تبلیغاتی و بروکراتیک - نظامی و همه وسائل و ابزار های سرکوب طبقه سرمایه دار استفاده می کند تا بتواند سرمایه اش را از گزند های احتمالی مصون نگهدارد . به این اعتبار، مبارزه طبقاتی در جامعه ی سرمایه داری امری واقعی، عینی و بدیهی است .

نکته مهم دیگر که اعتراض های اخیر کارگران در فرانسه به همگان نشان داد این امر بود که طبقه کارگر برای دستیابی به مطالبات و حقوق خود فقط باید به نیروی خود و آگاهی اش متکی باشد . باور به نیروی یکپارچه و متحد و تبدیل شدن به طبقه ای برای خود و اتکا به تشکل های طبقاتی، امر مهمی بود که کارگران فرانسه در حد توان آن را به نمایش گذاشتند .

این نکته را نیز نباید از یاد برد که نفوذ و سلطه برخی جریان های فرمیستی که متأسفانه چندین دهه است رهبری و تسلط خود را بر اکثریت قریب به اتفاق سندیکاها و اتحادیه های کارگری اروپا و برخی نقاط دیگر جهان اعمال می کنند ، خود می تواند به عامل مهم و تعیین کننده ای در به سازش کشاندن مبارزه کارگران در فرانسه تبدیل شود . این گرایشات ، همواره نقش بازدارنده و مخربی در به شکست کشاندن و عقب نشینی طبقه کارگر در مبارزه برای احقاق حقوق مسلم خود در جنبش کارگری اروپا و پاره ای کشورهای دیگر جهان بازی کرده اند . کارگران فرانسه برای موفقیت و پیروزی در مبارزه و رسیدن به خواست ها و مطالبات خویش ، راهی جز جدا کردن خود از این گونه تشکل های فرمیستی و رهبری سازشکار آن ها ندارد . کارگران می توانند با ایجاد تشکل هایی از درون همین مبارزات ، بدون توهم به سرمایه داری حاکم و وعده های پوچ و دروغین حاکمان و صاحبان سرمایه ، قدم های محکم تر و مطمئن تری را در راه رسیدن به اهداف خود بردارند .

طبقه کارگر فرانسه در قرن نوزدهم و در همان ابتدای تکوین نظام سرمایه داری، نشان داد که توان و ظرفیت های فراوانی در برابر یورش صاحبان سرمایه به خود را دارد و می تواند دست به پیشروی بزند . آنها در سال ۱۸۷۱ توانستند برای مدت کوتاهی دولت سرمایه داری را در پاریس به زیر بکشند و در برابر بی کفایتی بورژوازی، اداره امور را خود بدست گیرند . بدون تردید این کارگران امروز نیز می توانند با اتکا به نیروی متحد و یکپارچه خود و ایجاد تشکل های طبقاتی، سرآغاز حرکت نوین طبقه کارگر اروپا ، برای مقابله با مصائب و ستمگری دائمی و فزون یابنده نظام سرمایه داری و پایان بخشیدن به آن باشند . کارگران در این قاره، شبیح نیستند، بلکه واقعیتی زنده و عینی اند که بارها در برابر سیاست های جنگ طلبانه و تحمیل فقر و بی حقوقی و دیگر اقدام های نا عادلانه ی دولت های شان در کشور خود و دیگر نقاط جهان، ایستادگی کرده اند .

کارگران ایران نیز که با مشکلات و مصائب فراوانی، نظیر بیکاری، اخراج و عدم امنیت شغلی، حقوق های معوقه، نداشتن حق تشکل و اعتصاب روبرو هستند، خود را در کنار طبقه کارگر فرانسه می بینند و در حد توان از آنها حمایت می کنند . " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های

کارگری " که جمعی از کارگران و فعالین کارگری ایران در آن متشکل شده اند، از مبارزه کارگران، دانشجویان ، دانش آموزان و تمامی مردم بپا خاسته فرانسه پشتیبانی و حمایت می کند و آرزوی سربلندی و موفقیت هر چه بیشتر برای آنها دارد.

پیروز باد مبارزه حق طلبانه کارگران فرانسه
زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی و بین المللی کارگران .

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
۶ آبان ۱۳۸۹

www.khamahangi.com
komite.hamahangi@gmail.com